

## میراث فرمانفرما؛ وقف عزاداری برای اهل بیت<sup>ع</sup>

### داستان اسلام آوردن دختر مسیحی در امامزادگان عینعلی وزینعلی<sup>ع</sup>



■ موضوع: پاتوق فرهنگی و مذهبی ده پونک  
■ ویژگی: ارادت اهالی به امامزادگان

مردم پونک سال هاست که ارادت خاصی به آستان مقدس امامزادگان عینعلی و زینعلی دارند و این مکان محل دورهمی و برگزاری مراسم مناسبتی است. یکی از خادمان امامزاده خاطره‌های معنوی از سال‌های دور در این زمینه تعریف می‌کند: «سال ۱۳۸۵ بود که دختری گریبان و مستاصل به من مراجعه کرد و گفت: من مسیحی هستم و مادرم در تصادفی شدید به کما رفته است و پزشکان امیدواری چندانی به بازگشتش ندارند. این اطراف پرسه می‌زدم و به دنبال جایی برای دعا کردن بودم که تابلوی امامزاده را دیدم و ناخواسته وارد این محل شدم.» خادم به دختر مسیحی توصیه می‌کند که با وجود اینکه اینجا کلیسا نیست، اما وارد امامزاده شود و برای سلامت مادرش نذر و نیاز و دعا کند. او می‌گوید: «سال بعد دیدم همان دختر پیش من آمد و از بهبودی مادرش چند هفته بعد از آن روز خبر داد و گفت که می‌خواهد مسلمان شود. نزد روحانی محله رفتیم و با ادای شهادتین اسلام آورد.» امامزادگان عینعلی و زینعلی دو برادر به نام‌های عون بن علی (ع) حدود ۱۱ ساله و زید بن علی (ع) حدود ۱۵ ساله از نوادگان امام سجاد (ع) بوده‌اند که همراه حضرت معصومه (س) برای فرار از دست ظلم و جور مأموران حکومتی قصد مهاجرت به ایران را می‌کنند. یورش به کاروان مسافران باعث می‌شود که این دو بزرگوار به ده پونک پناه بیاورند. آنها بعد از مدتی شناسایی و شهید و همین‌جا دفن می‌شوند. طبق گفته‌های اهالی پونک، ابتدا بقعه امامزادگان مکانی خشکی و گلی با یک حیاط و حوض آبی کوچک، قبرستان، آب‌انبار در شمال و غسلخانه‌ای در ابتدای امامزاده بود که به تدریج اتاقک‌هایی اطراف آن برای خادمان و افرادی که در سرمای استخوان‌سوز زمستان ناگزیر به ماندن در آستان امامزاده بودند ساخته شد. قدمت بنای اولیه به زمان فتحعلی‌شاه برمی‌گردد و بعد از آن به دستور فرمانفرما در سال ۱۲۹۷ شمسی بنای جدید ساخته شد. در گذشته اینجا خادم ثابتی نداشته و امور مربوط توسط کشاورزان محلی به نوبت و داوطلبانه انجام می‌شده است. آنها قبل از اینکه سرزمین‌های زراعی خود بروند، در امامزاده را باز می‌کردند و غروب‌ها امامزاده را جارو کرده و در امامزاده را می‌بستند. یکی از مراسمی که در این مکان برگزار می‌شده، مراسم سمنوپز و صبح سیاه بوده است که تا به امروز ادامه دارد. امامزاده عینعلی و زینعلی تنها امامزاده‌ای در کشور است که شورای حل اختلاف دارد و قضات شورا قبل از شنیدن اظهارات طرفین دعوی گاه برای آرام کردن مراجعین عصبانی از آنها می‌خواهند به زیارت بروند و دقایقی را در امامزاده بگذرانند تا آرام شوند.



دکتر غفار، یکی از پسرانش که فردی مؤمن و مذهبی بود رسید. دکتر غفار در دامان زن مؤمنی تربیت شد که در شکل‌گیری ریشه‌های مذهبی او نقش پررنگی داشت. او تحت تأثیر آموزه‌های خانوادگی اش مدام مشغول کارهای خیر و عام‌المنفعه بود و در سال ۱۳۴۶ تصمیم گرفت قطعه زمینی ۷۰۰ متری را که به ارث برده بود وقف ساخت حسینیه‌ای در پونک کند. «قدیمی‌ها روایت می‌کنند که نیمی از اراضی پونک به سیروس میرزا و نیمی دیگر به دکتر غفار، فرزند ارشد فرمانفرما، تعلق داشت. میرزایی درباره تاریخچه ساخت تنها حسینیه پونک می‌گوید: «دکتر غفار بخش زیادی از زمین‌هایش را وقف اسکان افراد بی‌بضاعت کرد و بخش دیگری را به ساخت حسینیه و مدرسه اختصاص داد. او در سال ۱۳۴۶ یک حسینیه بزرگ در قطعه زمین ۷۰۰ متری که به ارث برده بود بنا کرد و

با هزینه شخصی آن را ساخت. بعد از ساخت حسینیه برای نخستین بار مراسم مذهبی پونک در یک مکان ثابت برپا شد و این حسینیه قدیمی با گذشت زمان به نماد وحدت و همدلی اهالی پونک هم تبدیل شد. مدرسه شهید فلاح‌زاده که در سال‌های قبل نام خاندان فرمانفرما بر سر در آن حک شده بود هم یادگار دکتر غفار در محله پونک به حساب می‌آید.»

با گذشت ۵۷ سال از ساخت حسینیه پونک، بنای اصلی آن حفظ شده و اهالی بخش‌های دیگری به آن اضافه کرده‌اند. با کمک‌های مردمی تعدادی مغازه به بنای حسینیه اضافه شد تا هزینه‌های جاری برای برپایی مراسم مذهبی از محل اجاره مغازه‌ها تأمین شود. یک آشپزخانه جدید هم برای طبخ غذای نذری و پذیرایی از عزاداران حسینی ساخته شده و حسینیه شمایل امروزی را پیدا کرده است.



■ موضوع: حسینیه پونک  
■ ویژگی: تنها مکان عزاداری وقفی محله پونک که بیش از نیم قرن قدمت دارد

تنها حسینیه محله پونک که در سال ۱۳۴۶ بنا شده یادگار دکتر غفار، یکی از فرزندان عبدالحسین فرمانفرما به شمار می‌رود که با گذشت سال‌های طولانی بنای قدیمی آن حفظ شده و در مناسبت‌های مذهبی درهای آن به روی اهالی گشوده می‌شود. دکتر غفار یکی از فرزندان فرمانفرما بود که از دهه ۴۰ میراث‌دار پدرش شد و بخشی از اموالش را صرف امور خیر و عام‌المنفعه کرد. مصطفی میرزایی، از اهالی قدیمی پونک، دکتر غفار را بانی اصلی ساخت تنها حسینیه پونک می‌داند: «زمین حسینیه پونک در بلوار پونک فعلی در تقسیم میراث عبدالحسین فرمانفرما به

## نذر هشتادساله در خانه کدخدا

اول سال تبدیل می‌شود. «دختر کدخدای ده خاطرات سال‌های نخست برپایی این مراسم را مرور می‌کند: «تا زمانی که مادربزرگم زنده بود خودش سمنو را می‌پخت و به مادرم سفارش کرد که پس از مرگش هر سال این نذر را ادا کند و ما هم کنار ایشان کمک‌حال بودیم. پدرم هر سال گونی‌های ۵۰ کیلویی گندم را برای پخت سمنو به خانه می‌آورد و خانم‌های فامیل و همسایه‌ها برای کمک می‌آمدند. تمام مراحل پخت سمنو تا آماده شدن آن حداقل ۱۵ روز طول می‌کشید.»

آنطور که احترام فدایی برابان تعریف می‌کند ۷ روزمانده به روز آماده شدن سمنو، پاتیل را بار می‌گذاشتند: «خانم‌هایی که برای کمک می‌آمدند هر کدام کاری را به عهده می‌گرفتند. عده‌ای آرد الک می‌کردند، بعضی سبزه می‌کوبیدند و برخی هم سمنو را هم می‌زدند. یادم می‌آید هفت شبانه روز همسایه‌ها خانه ما بودند روزها کارها بر عهده زنان بود و شب‌ها

هم مردها کارها را انجام می‌دادند. ما هم برایشان آش بار می‌گذاشتیم و با چای پذیرایی می‌کردیم. رسم بود همه تا نزدیکی سحر و تا هنگام پخت سمنو بیدار باشند. پس از پخت سمنو، به همراه نماز صبح ۲ رکعت نماز حاجت می‌خواندند و طلب حاجت از خداوند می‌کردند.» به گفته این ساکن قدیمی پونک، همه افرادی که در پخت سمنو کمک می‌کردند با وضو بودند، چون حضور در پای دیگ آداب خاص خودش را داشت. اهالی پونک از این سمنو حتی برای دوستانشان که خارج از کشور زندگی می‌کردند، می‌فرستادند.

دختر کدخدا می‌گوید: «سمنو که آماده می‌شد در ظرف‌های یک کیلویی بین مردم مرادآباد، حصارک و پونک، حدود هزار نفر، پخش می‌شد. این مراسم تا ۵۸ سال پیش (سال ۱۳۹۸) یعنی ۲ سال بعد از مرگ مادرم ادامه داشت، اما بعد از آن به دلیل آداب پخت و سختی کار نتوانستیم این نذر را ادامه دهیم.»

■ موضوع: قدیمی ترین سمنوپزان شمال پایتخت  
■ ویژگی: مشارکت اهالی در پخت سمنو

فروردین به نیمه که می‌رسید رفت‌وآمد زنان محله پونک به خانه کدخدای ده بیشتر می‌شد. هر کسی مشغول کاری بود؛ یکی جوانه‌های گندم را آماده می‌کرد و دیگری مسئول تمیز کردن دیگ مسی بزرگ سمنو که به آن پاتیل می‌گفتند، می‌شد تا همه چیز برای پخت نذری سمنوی مادربزرگ در اردیبهشت‌ماه آماده باشد.

«احترام فدایی» دختر آخرین کدخدای ده پونک درباره اینکه این نذر از کجا و چطور شروع شد می‌گوید: «مادربزرگم هر بچه‌ای که به دنیا می‌آورد زنده نمی‌مانده. او که از این موضوع بسیار غمگین بوده خوابی می‌بیند و ادای نذر از همان خواب شروع و پس از حاجت‌روایی از ۸۵ سال پیش به رسمی هر ساله در ۲ ماه

